

یک عکس

سر هنگ باز‌نستسته شمس آبادی

قسمت اول

اوایل سال ۶۷ در حالی که‌تاز‌ه‌وار‌داداره آگاهی شده بودم افسر یک پرونده کلاهبرداری شدم که عجیب بود. در این پرونده مرد شیک پوشی با پیشنهادهای وسوسه آمیز ابتدا به بهانه تجارت، یک دفتر کار در ساختمانی در جردن را اجاره کرده بوددر مرحله دوم نقشه‌اش آرش به بهانه گرفتن یک خط تلفن از صاحبخانه یک کپی سند خانه را گرفته و با دستکاری کپی سند، خانه را به نام خودش کرده بود. سپس، آرش بعد از چندروز به چند‌بنگاه املاک بزرگ در خیابان آفریقا رفته و ادعا کرده بودیک ملک بزرگ می‌خواهد و پولش نیز نقد است. روش آرش طوری بود که همه بنگاه‌داران فریب خورده بودند و همه آرش را مردی ثروتمند می‌دانستند از این رو ملک‌های بزرگ به آرش پیشنهاد داده شد که از بین آن‌ها آرش برای یک ملک دو هزار متری دسیسه چید. وی برای خرید ملک بزرگ ابتدا دو سوم قیمت ملک را یک چک ۴۵ روزه به بنگاه داده و گفته بود بعد از آمدن نتیجه استعلام ملک بقیه پول را به صورت نقدی پرداخت می‌کند. آرش پس از دو هفته بار دیگر به بنگاه رفته و گفته بود که چون زمان تاریخ چک اش نزدیک است قصد فروش دفتر کارش در خیابان آفریقا را دارد. صاحب بنگاه که به آرش اعتماد داشت خیلی زود چند مشتری دست به نقد برای دفتر کار آرش پیدا کرد که آرش به دو‌مین مشتری جواب مثبت داد. وی با همان کپی سند دستکاری شده به بنگاه رفت و قولنامه را نوشت و برای فروش ابتدا ۶۰۰ میلیون تومان پول گرفت و زمان خواست‌تادفتر کارش را خالی کندو کلید را تحویل دهد. به همین راحتی آرش با جیب‌های خالی و فقط شیک پوشی و چرب زبانی پس از گرفتن ۶۰۰ میلیون تومان شبانه دفتر کارش را خالی کرد و بدون جا گذاشتن سر نخ‌ی از خودش ناپدید شد. معمولاً فقط در پرونده‌های قتل به محل وقوع جرم می‌رویم و تحقیق می‌کنیم اما خیلی اتفاقی تصمیم گرفتم دفتر کاری را که آرش اجاره کرده بود مورد بررسی قرار دهم. همه چیز جمع شد و دو وقتی سطل زباله را که چند کاغذ مچاله شده بود بررسی کردیم با یک عکس متهم که مشخصات واقعی اش با نام فرید پشت نویسی شده بود روبه رو شدیم. تحقیقات نشان داد فرید آخرین بار از یک طلا فروشی در مشهد طلا خریده است. خیلی زود مشخصات فرید را به هتل‌ها و هممان سراها دادیم و در بررسی‌ها از یک هتل خبر رسید که فرید آخرین بار در آن‌جا حضور داشته است. با دو نفر از همکارانم به مشهد رفتیم و آن‌جا شنیدیم که فرید آخرین بار با یک آژانس به نیشابور رفته است. به سراغ راننده آژانس رفتیم و همراه او به نیشابور سفر کردیم و محلی را که فرید از خودرو پیاده شده بود، تحت نظر قرار دادیم تا این که فرید از یک خانه خارج شد و دستگیرش کردیم. وقتی فرید به دادسرای نیشابور رفت متوجه شدیم که در آن‌جا نیز کلید مدار داری کرده و قاضی پرونده خواست ما به تهران بازگردیم و پس از رسیدگی به پرونده کلاهبرداری اش او را به تهران می‌فرستند. دو هفته منتظر بودیم که فرید را به تهران بیاورند که یک روز دیدیم دو مامور وارد اتاقم شدند و گفتند شما منتظر فرید هستید؟ گفتم بله، که خیلی آرام گفتند فرار کرد. باورش سخت بود ولی فرید فرار کرده بود. فرید در بین راه وقتی قفسه برای نماز صبح در شاه‌رود توقف کرده بود به بهانه دست شویی رفتن از قطار پیاده شده و از پنجره بالای سرویس بهداشتی فرار کرده بود. شروع به جست‌وجو کردیم و احتمال دادیم که فرید با دلارا‌ها از کشور خارج شود خیلی زود فرضیه ما قوت گرفت چرا که فرید با جمل مدارک برادرش به مالزی رفته بود. تنها موضوعی که ما را چشم انتظار فرید گذاشته بود این بود که فرید بلیت رفت و برگشت خریده بود. چند روزی گذشت و اعلام شد که فرید بلیت برگشت را تایید کرده و او وقتی وارد فرودگاه شد دستگیرش کردیم. فرید در فرودگاه گفت که قصد داشته از مالزی به صورت قاچاق به استرالیا برود اما نتوانسته و به ناچار به ایران بازگشته است. فرید با اتهام‌های کلاهبرداری، جعل و فرار از دست پلیس به زندان افتاد اما این پرونده بسته نشد و دوباره این مرد ما را به دنبال خودش کشاند. فرید با یک ترفند از زندان فرار کرده بود و ما که پیگیر پرونده‌های دیگر بودیم دوباره برای دستگیری کلاهبردار شیک پوش دست به کار شدیم.

نبش قبر مرد تهرانی برای باز کردن گره کور ارثیه پدری به بن بست خورد.

روز ۲۱ اردیبهشت سال ۹۱ با قتل مردی در تهران راز یک همسر کشی فاش شد و این در حالی بود که همسر این مرد با داستان سربایی تلاش می‌کرد راز شوم خود را فاش نکند. مرد جوان با شلیک گلوله کشته شده بود و با توجه به صحنه قتل مشخص بود قاتل آشناست اما همسر مقتول ادعا کرد با فرزندانش به مهمانی رفته بودند و او قتل چیزی نمی‌داند. شش سال بعد و در حالی که هیچ سر نخ‌ی نبود مردی راز گشایی کرد و گفت: چندی قبل با یکی از دوستانم به نام خشایار که در حالت مستی بود شروع به صحبت کردم که ناگهان در همان عالم مستی ادعا کرد که با همدستی خواهر زنش به قتل باجناقش دست زده است که هوشنگ نام دارد.

باز داشت قاتلان

همین سر نخ کافی بود تا کار آگاهان به سراغ فرانک و شوهر خواهرش خشایار بروند. در ابتدا این زن و مرد جوان ادعای بی گناهی کردند اما وقتی فرانک شنید که دامادشان ماجرای قتل را برای یکی از دوستانش بازگو کرده است به ناچار از جنایت شوهرش پرده برداشت. فرانک گفت: همسرم سال ها قبل با زنی از دواج کرده بود اما پس از مدتی زندگی در کنار هم وقتی هوشنگ دید از زنش صاحب فرزند نمی‌شود از او طلاق گرفت و پس از جدایی، به خواستگاری ام‌آمد.

وی افزود: هوشنگ ۲۰ سال از من بزرگ تر بود. در ابتدا

من نمی‌خواستم با او از دواج کنم اما خانواده ما با توجه به

شرایط مالی خوبی که هوشنگ داشت اصرار کردند تا به

خواستگاری اش جواب مثبت بدهم که به ناچار و به دلیل

اصرار خانواده ام با هوشنگ از دواج کردم.

زن جوان گفت: هوشنگ مشکل اخلاقی داشت و با من بد رفتاری می‌کرد و همیشه به دنبال یک راه حل می‌گشتم تا این که تصمیم به قتل او گرفتم. برای اجرای نقشه ما نیاز به یک همدست داشتم به همین دلیل ما جارا با خواهرم و شوهر خواهرم در میان گذاشتم و آن‌ها نیز راضی شدند تا

به من کمک کنند.

فرانک درباره چگونگی قتل ادامه داد: روز حادثه تعدادی فرص خواب آور داخل آب میوه شوهرم ریختم و منتظر ماندم تا هوشنگ بیهوش شود، وقتی شوهرم بیهوش روی تختش افتاد طبق نقشه قبلی همراه بچه‌ها از خانه بیرون رفتم اما در ورودی را باز گذاشتم که شوهر خواهرم پس از رفتن ما وارد ساختمان شد و با شلیک گلوله به زندگی شوهرم پایان داد و من از آن روز از ادمشدم.

خشایار نیز در اعترافتش گفت: وقتی فرانک از من و همسرم کمک خواست، تصمیم گرفتمیم به او کمک کنیم

به همین دلیل روز حادثه وقتی فرانک و بچه‌هایش از خانه

بیرون رفتند با تفنگی که در دستم بود وارد خانه شدم و

مستقیم به اتاق خواب رفتم و ابتدا هوشنگ را صدا زدم

وقتی دیدم جوابی نمی‌دهد به سمت او شلیک کردم و با

اطمینان از مرگش به سرعت از خانه خارج شدم و به منزل

بازگشتم.

بخشش

پس از اعترافات زن و مرد جوان به قتل، دو فرزند هوشنگ که تنها اولیای دم پرونده بودند به دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کردند و از مادرشان که در این پرونده اتهام معاونت در قتل داشت و از شوهر خاله‌شان که به مشارکت در قتل عمدی پدرشان متهم شده بود اعلام گذشت کردند و آن‌ها را بخشیدند.

نبش قبر

پس از این که اولیای دم از خون پدرشان گذشت کردند،

خواهران هوشنگ سناریوی عجیبی را پیش روی بازپرس

پرونده قرار دادند و ادعا کردند که برادرشان هیچ وقت

بچه‌دار نمی‌شده و سال‌ها تحت درمان قرار داشته و به

خاطر همین از همسر اولش جدا شده است.

خواهران هوشنگ ادعا کردند برادرشان مدتی پس

از از دواج با فرانک دو بچه به ما نشان دادند و گفتند

فرزندانشان هستند در صورتی که طبق مدارک پزشکی

برادرم هیچ وقت بچه‌دار نمی‌شد و چون نمی‌خواستیم در

زندگی‌شان دخالت کنیم حرفی نزدیم.

بررسی حوادث

نبش قبر هم گره‌پرونده را باز نکرد

تحلیل کارشناس

ارثیه‌های پدر دسر

محمود تقوی، حقوق‌دان

متأسفانه ارثیه یکی از مسائل پیچیده

حقوقی است که شاخه‌های مختلفی

دارد. در گذشته مسئله ارثیه و پرونده

های مرتبط با آن بیشتر مربوط می‌شد

به اختلافات جزئی یا دعوای درون

فامیلی به این شکل که یکی از ورثه

به تصرف غیرقانونی ملک یا مغازه

پدری دست می‌زد و وراثت دیگر تلاش

می‌کردند یا حکم دادگاه به حق خود

برسند. اما امروزه نه تنها اختلافات

قدیمی بر سر ارثیه باقی مانده است

بلکه موارد جدید و مدرنی هم وارد

مسائل حقوقی شده که یکی از آن‌ها

اثبات وارث بودن است. در پرونده

های این چنینی خانواده‌ها با دعا‌هایی

مبنی بر این که فرزندان مرحوم اصلاً

اولاد واقعی نیستند اصرار دارند آن‌

ها فرزند خوانده بوده‌اند که باید سریع

آزمایش دی‌ان‌ای گرفته و طبق آن وارث

بودن اثبات شود. از طرف دیگر این که

ممکن است ادعا شود اولاد از روش

تخمک‌گذاری و لقاح به‌دنیا آمده‌اند که

باز باید آزمایش دی‌ان‌ای انجام شود.

در این دو مورد یک تفسیر قوی وجود

دارد مبنی بر این که امکان آزمایش

دی‌ان‌ای از اولاد وجود داشته باشد

که در این پرونده به خاطر نبود چنین

شرایطی و به دلیل زندگی وراثت در

خارج از ایران درخواست خواهران

مقتول رد شده است.



بدین ترتیب با توجه به اظهارات خواهران مقتول چنان‌چه ادعای آن‌ها درست باشد اعلام رضایت فرزندان مقتول در پرونده‌ی اثر خواهد شد و خواهران مقتول به عنوان اولیای دم در پرونده شناسایی خواهند شد. این در حالی است که خواهران مقتول خواهان قصاص و مجازات همسر با جناق برادرشان بودند. باتوجه به اظهارات خواهران مقتول، تنها راه برای افشای راز این موضوع نبش قبر و گرفتن آزمایش دی‌ان‌ای مقتول و تطبیق آن با دختر و پسر ی است که مدعی بودند فرزندان مقتول هستند.

با وجود مجوز فقهی نبش قبر هوشنگ اما با توجه به این که پسر و دختر فرانک در خارج از کشور هستند و آزمایش دی‌ان‌ای را انجام ندادند در خواست خواهران هوشنگ رد شد. بنا بر این گزارش، پرونده با توجه به بخشش فرزندان هوشنگ برای بررسی جرم از جنبه عمومی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

قتل فجیع ۲ برادر جلوی چشمان سالومه

حجت و رضا افتادند و آن‌ها را کشتند سپس جنازه‌های دو برادر را داخل چاه‌باغ انداختند، بعد مرآ را از دادند و وقتی التماس‌هایم را دیدند مرا نکشتند و تهدیدم کردند به پلیس حرفی نزنم. خیلی زود سه قاتل با گذشت ۴۱ شبانه روز از جنایت بازداشت شدند و پیکرهای متلاشی‌شده دو برادر از داخل چاه بیرون کشیده شد. خانواده دو برادر در شعبه ۷۱ سابق دادگاه کیفری استان تهران خواستار قصاص قاتلان شدند و بعد مجتبی، شادمهر و حسین هم جنایت را به گردن هم انداختند. در پایان جلسه، قضات سه متهم را به قصاص، هر یک را به ۱۰ سال زندان و ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم کردند. حکم صادر شده در دیوان عالی کشور تایید شده بود که مجتبی و شادمهر توانستند رضایت اولیای دمر جلب کنند و از قصاص‌رهایی‌یابند. اما حسین در زندان ماند. وی با گذشت ۱۰ سال از این ماجرا توانست رضایت همه اولیای دم را جلب کنم اما آن‌ها هیچ‌یک اجرای حکم نمی‌شوند. به همین دلیل با تکلیف دو زندان ماند ام. من از قضات دادگاه می‌خواهم تکلیفم را روشن کنند چرا که از این وضعیت خسته شده‌ام.

مرد جوانی که به دلیل قتل دو برادر در ۱۰ سال پیش به اعدام محکوم شده بود دیروز از قضات دادگاه کمک خواست. بیست و دوم آبان ۸۸ پیرمردی به پلیس آگاهی شهریار رفت و از ناپدید شدن دو پسرش به نام‌های حجت و رضا خبر داد. وی گفت: پسر ۴۰ ساله‌ام حجت، کارگر بود. دیروز پسر کوچکم رضا پیش او رفت و دیگر از آن‌ها هیچ خبری نشد. کار آگاهان در بررسی موشکافانه فهرست ریز مکالمات تلفنی حجت نخستین سر نخ را به دست آوردند. تحقیقات میدانی نشان می‌داد حجت چندین بار با یک زن ۳۰ ساله به نام سالومه تماس گرفته بود. با بر ملا شدن این موضوع، زن جوان بازداشت شد. وی گفت: سال‌هاست که از دواج کرده‌ام و یک دختر هفت ساله دارم اما شوهرم به من خرجی نمی‌دهد. شوهرم به زنی به نام یگانه علاقه‌مند بود و پول‌هایش را به او می‌داد. به همین دلیل به روگچه‌ها و خیابان‌ها گدایی می‌کردم تا این که سال گذشته به طور اتفاقی با حجت آشنا شدم. سالومه ادامه داد: وقتی حجت در دلد‌هایم را شنید قول داد برایم کار مناسبی جور کند. از آن روز به بعد به همراه حجت به خانه‌های مردم می‌رفتم و کارگری می‌کردم. آخرین بار به همراه حجت و برادرش رضا برای کارگری به یک باغ رفتم اما صاحب باغ که مجتبی نام دارد با حجت درگیر شد و همزمان، دو مرد به نام‌های شادمهر و حسین به او حمله کردند. آنان با چاقو به جان

رهایی عاملان جنایت رستوران لواسان از قصاص



وی ادامه داد: بعد از تعطیلی رستوران وقتی سهیل به آن‌جا آمد با شوکر به او زد م که بی‌حال شد سپس او را خفه و جسد را پلاستیک پیچ کردم و به حوالی کانال آبی در لواسان انداختم. با اعتراف‌های این مرد، مریم به اتهام معاونت در قتل بازداشت شد و جرم‌ش را گردن گرفت. آن‌ها در حالی در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند که رضایت اولیای دم ا جلب کردند.

اصغر گفت: من تحت تاثیر حرف‌های مریم قرار گرفتم و به دلیل علاقه‌ای که به او داشتم شوهرش را نکشتم. اما مریم اتهام معاونت در قتل را نپذیرفت. در پایان جلسه قضات با توجه به اعلام رضایت دو پسر قربانی متهمان را به زندان محکوم کردند. دو متهم تسلیم به رای شده و در خواست تخفیف در مجازات را مطرح کردند. به این ترتیب قضات دادگاه در خواست آن‌ها را پذیرفتند و اصغر با تخفیف در مجازات به سه سال زندان و مریم به یک سال زندان محکوم شد.

اعلان جنایت رستوران لواسان زن و مردی بودند که با هم رابطه پنهانی داشتند. شوهر زن باید کشته می‌شد تا آن‌ها به آرزوی شومشان برسند و با هم از دواج کنند. عصر بیستم آبان سال ۹۷ جسد پلاستیک پیچ یک مرد ۴۵ساله که شواهد نشان می‌داد خفه شده بود در بیابان‌های لواسان پیدا شد.

پلیس به تحقیق پرداخت و دریافت جسد متعلق به مردی به نام سهیل است که پسرانش چند روز قبل ناپدید شدن وی را به پلیس اعلام کرده بودند. پسر بزرگ ادعا کرد پدرش قرار بود سوله‌ای را در اسلا مشهر اجاره دهد به همین دلیل با یک مرد جوان به نام اصغر قرار ملاقات داشت. با اظهارات پسر جوان، پلیس به ردیابی اصغر پرداخت. اما این مرد همزمان با کشته شدن سهیل از محل کارش که رستورانی در لواسان بود تسویه حساب کرده و به مکان نامعلومی گریخته بود. پلیس به ردیابی وی پرداخت و سر انجام اصغر را که در یک سالن غذاخوری بین راهی در اتوبان قزوین – تبریز مشغول به کار شده بود بازداشت کرد.

اصغر به قتل سهیل با همدستی همسروی به نام مریم اعتراف کرد. وی گفت: حدود یک سال پیش وقتی مریم به عنوان مشتری به رستوران آمد با او آشنا شدم. او از بد رفتاری‌های شوهرش گلّه می‌کرد تا این که تحت تاثیر حرف‌های او قرار گرفتم، پس از مدتی مریم پیشنهاد قتل شوهرش را مطرح کرد. او مقداری پول به من داد تا با آن یک شوکر بخرم. مریم اطلاعات کاملی درباره سوله‌ای که شوهرش قصد اجاره آن را داشت به من داد و من به بهانه اجاره سوله با سهیل تماس گرفتم و با او در رستوران قرار گذاشتم.

آگهی تغییرات شرکت آتیه سازان آرامش نیرو آسا نیرو شرکت سهامی خاص <p>به شماره ثبت ۵۳۳۰۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۳۵۳۷۵</p> <p>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ تصصیمات ذیل اتخاذ شد :</p> <p>-موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آبتین محاسب پارس به شماره ملی ۱۰۳۸۰۶۳۳۶۱۴ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به شماره ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.</p> <p>روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.</p> <p>- ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۲۹سند ماه ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت.</p>
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی <p>اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۸۲۱۰۰)</p>

آگهی تغییرات شرکت بنا گستران هشتم توس شرکت سهامی خاص <p>به شماره ثبت ۱۸۱۲۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۳۶۸۶۰</p> <p>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۸ تصصیمات ذیل اتخاذ شد :</p> <p>سازمان اسناد قدس رضوی به شناسه ملی ۱۳۳۰۰۴۳۴۲۱۷۳ شرکت سرمایه گذاری توسعه عمران سپهر هشتم شماره ثبت ۳۷۰۷۱۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۰۶۴۷۱ شرکت سرمایه گذاری فرهنگیان شماره ثبت ۹۳۹۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۸۰۳۱۳ بانک سرمایه شماره ثبت ۲۴۳۳۷۷ و شناسه ملی ۱۰۳۷۹۸۴۵۷ شرکت سرمایه گذاری فرآیند با شماره ثبت ۲۱۸۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۱۴۱۰ به سمت اعضای هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند ، موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت بصیر محاسب توس به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۷۷۵۰۸ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند و صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ به تصویب رسید روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.</p>
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی <p>اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۸۲۱۲۰)</p>

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری عمران سارا شرکت سهامی خاص <p>به شماره ثبت ۲۳۳۹۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۷۸۷۴۳</p> <p>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ و پیرو صورتجلسه تنفسی مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ تصصیمات ذیل اتخاذ شد :</p> <p>۱- صورت‌تهای مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ به تصویب مجمع رسید.</p> <p>۲-موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت(حسابداران رسمی) به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰۷۱ بعنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا جوانشیر به عنوان بازرس علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۰۶/۳۱ انتخاب شدند</p> <p>۳-روزنامه خراسان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.</p>
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۸۲۱۹۲)

آگهی تغییرات شرکت نلگین سلامت فدک موسسه غیر تجاری <p>به شماره ثبت ۴۶۵۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۳۳۲۴۳</p> <p>به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲ تصصیمات ذیل اتخاذ شد :</p> <p>- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت اعم از چک – سفته – پروات – قرار داده‌ها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضای مشترک رئیس هیئت مدیره و نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود .</p>
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۷۹۱۴۳)

آگهی تغییرات شرکت صنایع ریخته گری توحید خراسان شرکت سهامی خاص <p>به شماره ثبت ۳۰۹۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۸۹۹۴۰</p> <p>به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۳۰ تصصیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی امین محاسب روش بعنوان بازرس اصلی به کدملی ۱۰۰۵۳۸۲۰۳۱ و آقای علی توفلی به کدملی ۰۷۰۳۲۰۹۰۵۱ به سمت بازرس علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۷انتخاب گردید.</p>
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی <p>اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۷۹۱۷۶)</p>

^[1] ۹۸۱۱۱۷۰۸